

# نویسه‌گردانی اعلام فارسی و عربی با حروف انگلیسی

پیمان متین

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

peymanmatin @ cgic. org. ir



## چکیده

در نوشتن مقاله‌های تحقیقی به‌خصوص در حوزه علوم انسانی و در ترجمه این مقاله‌ها از زبان مبدأ به زبان مقصد، به‌کار بستن نویسه‌گردانی (transliteration) ضروری است. نویسه‌گردانی روشی است برای خوانش صحیح‌تر و دقیق‌تر اسامی خاص اماکن، اشخاص، کتابها و نظایر اینها از سوی مخاطب. این مقاله سعی دارد با تبیین برخی روشهای موجود نویسه‌گردانی اعلام فارسی و عربی، و لحاظ کردن ابعاد صوری و توصیفی آنها، در جهت رسیدن به معیاری مطلوب و یکسان، گامی مؤثر بردارد.

## واژه‌های کلیدی

نویسه‌گردانی، آوانویسی، واج‌نویسی، حرف‌نویسی، اعلام

## مقدمه

فرض کنید مقاله‌ای در رشته تخصصی خود نوشته‌اید و قرار است به یکی از زبانهای معروف‌تر دنیا ترجمه کرده در نشریات آنها چاپ کنید. مایلید نام شما یا عنوان مقاله شما (اگر اسم خاصی در آن به کار رفته) چگونه تلفظ شود؟ یعنی مخاطب آلمانی، مخاطب انگلیسی، مخاطب فرانسوی یا مخاطب عرب آن را چگونه در نظر بگیرد اسم شما «حسین باجلان فرخی» یا «علی محمد کاردان» یا «محمد پروین گنابادی» است،<sup>۱</sup> یا آنکه عنوان کتاب یا مقاله شما «از صبا تا نیما» است. این اسامی را چگونه باید نوشت تا نزدیک‌ترین و صحیح‌ترین صورت آن از سوی مخاطب خارجی خوانده شود؟

اگر هیچ ملاک شناخته‌شده‌ای نباشد و صرفاً بخواهیم با تلفظ (آشنای) خود از صدای حروف انگلیسی، اسامی را حرف‌نویسی کنیم کدامیک از موارد زیر ضبط نزدیک‌تر به واقع اسم «علی محمد کاردان» است؟

۲. Alimohammad Kardan

۱. Ali Mohammad Kardan

۳. Ali-mohammad Kardan

شاید بگویند چه فرقی می‌کند! اما آیا از دید ما «علی» first name و «محمد» middle name است؟ آیا می‌توان یکی از آن دو را حذف کرد؟ مثلاً آیا «علی کاردان» یا «محمد کاردان» همان «علی محمد کاردان» را به ذهن متبادر می‌سازد؟ آیا «علی محمد» مضاف و مضاف‌الیه است یا می‌توان آن را «علی محمد» خواند؟ یا آنکه «علی محمد» یک اسم مرکب است؟

«حسین باجلان فرخی» را چگونه باید حرف‌نویسی کرد؟ این اسم را چگونه بنویسیم که «باجلان» را جزو last name بدانند یا جزو first name ندانند یا به چشم middle name به آن ننگرند، یا برعکس همه اینها!

در چنین مواردی چه باید کرد؟ آیا آشناسازی راه چاره مناسب است یا حرف‌نویسی یا ترکیبی از هر دو یا اصلاً هیچکدام؟ حالت عکس را در نظر بگیرید. اگر اسمی بیگانه را بخواهیم با حروف یا آوای فارسی حرف‌نویسی یا آوانویسی کنیم، بالأخره کدامیک از موارد زیر صحیح‌تر است؟

۱. جری کوزینسکی؛ ۲. یرزی کازینسکی؛ ۳. یزی کوزینسکی؛ و بالأخره یزی

کوشینسکی.<sup>۲</sup>

ملموس‌ترین نمونه از آشفتگیهای تلفظ در نبود یک ملاک شناخته‌شده برای اسامی فارسی، نام راقم این سطور است. دوستان انگلیسی MATIN را «متین»، دوستان فرانسوی «متن» و دوستان سوئدی «مادن» می‌خوانند. نویسه‌گردانی، نوعی سامان بخشیدن به چنین آشفتگیهایی است.

### تعریف

ترانس‌لیتراسیون ترم نسبتاً جدیدی است. قید نسبتاً را عمداً به‌کار برده‌ام. اگر بخواهیم تاریخچه‌ای برای عمل نویسه‌گردانی ذکر کنیم باید گفت که در ادوار کهن نیز انجام می‌شده است. مثلاً ابوریحان بیرونی مسموعات سانسکریت خود را به عربی نویسه‌گردانی می‌کرده سپس از آنها استفاده می‌نموده است.<sup>۳</sup> اما در معنای علمی نوین آن، دانش نوی محسوب می‌شود. حتی ریچارد اسپیرز آن را جزو مداخل دستوری به حساب نیاورده است.<sup>۴</sup>

در فرهنگ وبستر می‌خوانیم: «نویسه‌گردانی یعنی املاء کردن یا هجی کردن واژه‌ها و عبارات یک زبان به زبان دیگر، با استفاده از الفبای زبان دوم، به نحوی که لحنی مشابه از آن اراده گردد».<sup>۵</sup> شیوه‌نامه مرجع شیکاگو، نویسه‌گردانی غیرحرفه‌ای را همان حرف‌نویسی واژه‌ها و عبارات غیرلاتین با استفاده از حروف لاتین (Latin or Romanize alphabet) می‌داند.<sup>۶</sup>

از آنجاکه در ایران هنوز معیار واحد و استاندارده‌ای برای نویسه‌گردانی معمول نشده است، تعاریف و روشهای متعددی برای آن به‌کار می‌رود. بنابراین بسته به قصد و هدف ویراستار یا نظام ویرایشی حاکم، انواع عناوین و حتی دانشها، به‌نوعی در نویسه‌گردانی تعمیم یافته که گاه خلط معنا پیدا کرده‌اند. این عناوین و دانشها عبارتند از: حرف‌نویسی،<sup>۷</sup> دگرنویسی،<sup>۸</sup> ترانویسی،<sup>۹</sup> آوانویسی و واج‌نویسی.<sup>۱۰</sup> شاید در این میان، نزدیک‌ترین عنوان به نویسه‌گردانی و آنچه منظور نظر این مقاله است، حرف‌نویسی باشد. نویسنده این مقاله، معادل «نویسه‌گردانی» را برای transliteration انگلیسی یا transliteration فرانسوی برگزیده است، چرا که این ترکیب را در پوشش دادن به تمام عناوین و دانشهای فوق، جمیع الاطراف می‌بیند.<sup>۱۱</sup>

### بررسی نمونه‌ها

از معتبرترین نمونه‌ها — که اسلوبی را به عنوان قرارداد برای نویسه‌گردانی اعلام فارسی و عربی خود با حروف انگلیسی برگزیده یا تدوین کرده‌اند — باید به موارد زیر اشاره کرد:

۱. فرهنگ فارسی معین
۲. دایرةالمعارف فارسی مصاحب
۳. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی
۴. دایرةالمعارف اسلام (Encyclopaedia of Islam)
۵. دانشنامه ایرانیکا (Encyclopaedia Iranica)
۶. راهنمای آماده ساختن کتاب.

در اینجا به توصیف اجمالی اسلوب نویسه‌گردانی هر یک از منابع فوق به منظور ارائه دیدی تطبیقی و قیاسی بین آنها پرداخته در خاتمه بهترین و غنی‌ترین اسلوب (از دیدگاه نگارنده) تشریح می‌گردد:

نویسه گردانی اعلام فارسی و عربی با حروف انگلیسی ..... ۳۵

جدول ۱. جدول تطبیقی حروف فارسی و عربی با حروف انگلیسی: اسلوب فرهنگ فارسی

معین

مصوت‌های کوتاه		مصوت‌های مرکب	
آ	á, a	او	aw
اُ	o	او	ow
او	u	آی	ay
اِ	e, e	ای	ey
ای	i		
<b>صامت‌ها</b>			
ء	'	ص	s
ب	b	ض	d
پ	p	ط	t
ت	t	ظ	z
ث	θ	ع	'
ج	j	غ	γ
چ	č	ف	f
ح	h	ق	γ
خ	x	ک	k
د	d	گ	g
ذ	ð	ل	l
ر	r	م	m
ز	z	ن	n
ژ	ž	و	v
س	ç s	ه	h
ش	š	ی	y
<b>مصوت‌های بلند</b>			
آ	ā, ā		
اُ	ō, ō		
او	ū, ū		
اِ	ē		
ای	ī		

محمد معین توضیحات مبسوطی را همراه با مثال و شاهد درخصوص روش «آوا نویسی» خود ارائه می‌دهد.<sup>۱۲</sup> همان‌طور که مشاهده می‌کنید برای برخی اصوات از حروف یونانی نیز استفاده شده است.

جدول ۲. جدول تطبیقی حروف فارسی و عربی با حروف انگلیسی: اسلوب راهنمای آماده‌سازی کتاب

مصوت‌های کوتاه		مصوت‌های بلند	
ey, ei..... ای		a..... آ	
āy, āi..... آی		ī, ē..... اِ	
ūy, ūi, uy, ui..... اوی		ū, u, o..... اُ	
ōy, ōi, oy, oi..... اوی			
صامت‌ها		مصوت‌های بلند	
s..... ص	z, ʒ..... ڙ		
z..... ض	b..... ب	â, â..... آ	
t..... ط	p..... پ	..... م	
z..... ظ	t..... ت	..... ا	
ʕ..... ع	s, θ..... ث	ō, ū, u, ow, o..... اووو	
ġ, ɣ..... غ	j, ĵ..... ج	..... ا	
f..... ف	c, ċ..... چ	ē, ī, i..... ای‌ی‌ی	
q..... ق	h..... ح		
k..... ک	x..... خ		
g..... گ	d..... د		
l..... ل	z, ʒ..... ذ	واو معدوله	تشدید
m..... م	r..... ر	خوا ..... xw, xw	تکرار حرف صامت
n..... ن	z..... ز		یا
v..... و	ž..... ڙ		تکرار صامت معین
ħ, h..... ه	s..... س		به‌صورت کوچک روی
y..... ی	š..... ش		خط کرسی

میرشمس‌الدین ادیب سلطانی، جدول کاملی را به تفکیک «ترانویسی فونتیک»، «آوانویسی یا ترانویسی فونمیک یا واج‌نویسی» و «حرف‌نویسی»، تدوین کرده که در اینجا ستون حرف‌نویسی آن مورد استفاده واقع شده است.<sup>۱۳</sup> همان‌طور که مشاهده می‌شود، وی نیز از حروف یونانی در تطابق با حروف فارسی استفاده کرده است.

نویسه گردانی اعلام فارسی و عربی با حروف انگلیسی ..... ۳۷

جدول ۳. جدول تطبیقی حروف فارسی و عربی با حروف انگلیسی: اسلوب دایرةالمعارف اسلام

مصوت‌های کوتاه		مصوت‌های مرکب	
a	ا	aw	او
u	اُ	ay	ای
i	اِ	iiy	اییه
		uww	اوو
مصوت‌های بلند		صامت‌ها	
ā	ای یی	s	ص
ū	او وو	d	ض
ā	آ	t	ط
		z	ظ
		‘	ع
		gh	غ
		f	ف
		k	ق
		k	ک
		g	گ
		l	ل
		m	م
		n	ن
		w	و
		h	ه
		y	ی
			ء
		b	ب
		p	پ
		t	ت
		th	ث
		dj	ج
		č	چ
		ǰ	ح
		kh	خ
		d	د
		dh	ذ
		r	ر
		z	ز
		zh	ژ
		s	س
		sh	ش
			حروف تعریف ال
			ال ..... l, al
			ة تائیت
			at a ..... ا

اسلوب حرف‌نویسی این دایرةالمعارف برای حروف ترکی و اردو نیز قواعدی دارد که در اینجا از ذکر آنها خودداری شده است.<sup>۱۴</sup> در این اسلوب تلفظ‌های فارسی تا حدی مجزا شده است.

جدول ۴. جدول تطبیقی حروف فارسی و عربی با حروف انگلیسی: اسلوب دایرةالمعارف فارسی مصاحب

مصوت‌های کوتاه		مصوت‌های بلند	
āw ..... آو	ā ..... آ	ā ..... آ	
ə ..... آ	e ..... ا	i ..... ای	
â ..... آو	ö, o ..... آ	u ..... او	
صامت‌ها		تشدید	
s ..... ص	..... س	..... س	..... س
z ..... ض	b ..... ب	..... ب	..... ب
t ..... ط	p ..... پ	..... پ	..... پ
z ..... ظ	t ..... ت	..... ت	..... ت
..... ع	ts ..... ث	..... ث	..... ث
q ..... غ	J ..... ج	..... ج	..... ج
f ..... ف	c ..... چ	..... چ	..... چ
q ..... ق	h ..... ح	..... ح	..... ح
k ..... ک	x ..... خ	..... خ	..... خ
g ..... گ	d ..... د	..... د	..... د
l ..... ل	z, d ..... ذ	..... ذ	..... ذ
m, M ..... م	r ..... ر	..... ر	..... ر
n, N ..... ن	z ..... ز	..... ز	..... ز
w, v ..... و	ž ..... ژ	..... ژ	..... ژ
h ..... ه	s ..... س	..... س	..... س
y ..... ی	š ..... ش	..... ش	..... ش

غلامحسین مصاحب، توضیحات مبسوطی را همراه با مثالهای فراوان در خصوص تلفظ اعلام و حرف‌نویسی آنها با «القبای صوتی» ارائه داده است.<sup>۱۵</sup> در این اسلوب تلفظهای عربی مجزا شده است.







هر یک از شیوه‌های ارائه‌شده در این جدولها خصوصیات منحصربه‌خود را دارد. البته موارد مشترک فراوانی در آنها دیده می‌شود. در این میان اسلوب *دایرةالمعارف اسلام* از آن جهت که دراصل برای زبان و اعلام عربی تدوین شده، کارایی کمتری نسبت به سایر اسلوبها دارد.<sup>۱۸</sup> در میان روشهای مذکور، این تنها روشی است که برای برخی حروف (و اصوات)، از دو حرف متوالی (مثلاً *sh kh dj, gh th*) استفاده کرده است. همین امر یکی از دلایل خوانش دشوار اعلام عربی و فارسی در *دایرةالمعارف مزبور* شده است. آنچه در اسلوب فرهنگ فارسی معین کاملاً به چشم می‌آید، تأکید و تکیه آن بر «آوای» حروف است. البته چنین امری با توجه به طبیعت اثر (لغتنامه) کاملاً بدیهی و پاسخگوست. ریزبینی و ترکیب ساده اسلوب، از محسنات آن بوده استفاده از حروف یونانی از کاربری آن کاسته است.<sup>۱۹</sup> اسلوب *راهنمای آماده ساختن کتاب* بسیار ریز و نسبتاً مفصل است. تفکیک جداول<sup>۲۰</sup> و به‌کارگیری دستورات آن نیاز به مهارت و صرف وقت فراوان (چه برای نویسنده چه برای خواننده) دارد. تمام تلاش *دایرةالمعارف فارسی مصاحب*، ساده کردن قضیه به‌منظور ساده‌نویسی و ساده‌خوانی بیشتر بوده که در این راه نیز توفیق زیادی کسب کرده است. اما یرخی مواقع، ساده‌سازی ممکن است موجب خوانش غلط گردد. *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* اسلوب آسانی را پیشنهاد کرده است. اصرار در تفکیک تلفظهای حروف فارسی و عربی و نمود آن در نشانه‌های انتخاب شده (بیش از ۹ مورد) کاربرد آن را تخصصی‌تر کرده بالطبع دور شدن از هدف آسان‌نویسی و آسان‌خوانی را در پی خواهد داشت. و اما اسلوب *دانشنامه ایرانیکا* به‌نوعی حاصل تجربیات تمام نمونه‌های پیش از خود را در قالبی ساده، آسان‌فهم و کاربردی ریخته و ماحصل کار، فهم آسان، برقراری ساده ارتباط با مخاطب و «سریع‌الهمضم» بودن آن شده است. از آنجاکه مؤلف، اسلوب *دانشنامه ایرانیکا* را از هر جهت کامل‌ترین می‌بیند و استعداد و توان «معیار» شدن را در آن بالقوه می‌داند، به معرفی بیشتر آن خواهد پرداخت.

## اسلوب نویسه‌گردانی دانشنامه ایرانیکا

### الف) زبانهای فارسی و عربی

هدفی که *دانشنامه ایرانیکا* در تدوین اسلوب نویسه‌گردانی خود برگزیده، سادگی و دقت است. این اسلوب در تمام مجموعه‌های زیر مشترک است:

؛ Corpus Inscriptionum Iranicarum

؛ The Persian Heritage Series

؛ The Persian Studies Series

The Modern Persian Literature Series

اصولاً اسامی اماکن و اشخاص معروف به همان شکل انگلیسی شده رایجشان استعمال می‌شوند ولی مابقی اسامی حتماً نویسه‌گردانی می‌گردند. این دانشنامه سعی کرده تلفیقی متعادل را بین آوانگاری و نویسه‌گردانی به‌دست دهد و با این نیت برگردانی دقیق و در عین حال ساده، از اعلام فارسی و عربی فراهم سازد. در این اسلوب از به‌کاربردن حروف دوتایی در نشان دادن تلفظ حروف خودداری شده برای نشان دادن صدای هر حرف، تنها از یک حرف معادل، استفاده شده است. شاید تنها موارد ناهنجار، «k» برای صدای «خ» (که سنتاً از «kh» برای نشان دادن آن استفاده می‌شود) و «g» برای صدای «غ» (که سنتاً از «gh» برای نشان دادن آن استفاده می‌شود) باشند.

استفاده از macron (-) نشاندهنده کشیدگی حرف صدا دار است مثل «ā» و «ū». همچنین جلوی حرف تعریف معرفه «ال» عربی حتی در اسامی شمسی، macron به‌کار برده می‌شود مثل «al-» یا «l-».

اسامی خاص مرکب با قراردادن خط تیره بین آنها به‌صورت واحد نمایش داده می‌شوند. اگر شروع اسمی با «ابو»، «ابن» یا «عبد» باشد، بخش دوم آن اسم با حروف بزرگ انگلیسی شروع می‌شود؛ اما اگر بخش اول اسمی هیچیک از سه مورد فوق نباشد، بخش دوم اسم، با حروف کوچک انگلیسی نوشته می‌شود. به این مثالها دقت کنید:

‘Abd- al- Hayy; Abu’l- Fazl; Nāṣer- al- dīn; Nezām – al- molk

اگر واژه «ابو» یا حرف اضافه عربی «فی» قبل از «ال» بیاید macron حذف شده حرف مصوت بدون تغییر باقی می‌ماند مثل: Abu’l- fi’l-؛ «بیانگر» است.

ب) سایر زبانها

– برای عناوین اوستایی، شیوه «بارتولمه» ملاک است یعنی کتاب:

*Altiranisches Wörterbuch* (استراسبورگ، ۱۹۰۴).

– برای عناوین پارسی میانه، شیوه فونمیک «مک کنزی» ملاک است یعنی کتاب:

*A Concise Pahlavi Dictionary* (لندن، ۱۹۶۸).

- برای عناوین ترکی، در مورد زبان نوین آنها از شیوه رسمی تبعیت می‌شود. اما در مورد برخی عناوین مربوط به قرون وسطی از شکل فارسی شده یا عربی شده اسامی ترکی استفاده می‌شود.

- برای عناوین روسی از جدول زیر تبعیت می‌شود:

а	a	п	p
б	b	р	g
в	v	с	s
г	g	т	t
д	d	у	u
е	e	ф	f
ё	o	х	kh
ж	zh	ц	ts
з	z	ч	ch
и	i	ш	sh
й	ī	щ	shch
к	k	ъ	-
л	l	ы	y
м	m	ь	'
н	n	э	è
о	o	ю	yu
		я	ya

برخی اصطلاحات و اسامی خاص فارسی و عربی به شکل رایج انگلیسی شده خود می آیند و نویسه گردانی نمی شوند. عمده ترین این اسامی و اصطلاحات به قرار زیر است:

### عناوین

amir, emir	امیر	Il-khan	ایلخان
aqā	آقا	jagirdar	جاگیردار
atabeq	اتابک	Khan	خان
pasha	پاشا	Shaikh	شیخ
shah	شاه	sultan	سلطان

### اصطلاحات مذهبی

Ash'arite	اشعری	imam	امام
darvish, dervish	درویش	Isma'ili	اسماعیلیه
Hadith	حدیث	isnad	اسناد
Hanbalite	حنبل	jihad	جهاد
Koran	قرآن	Mu'tazilite	معتزله
Malikite	ملکانیه	Sayyed	سید
molla	ملا	Shafe'ite	شافعی
Muslim	مسلمان	Shi'ite, Shi'i	شیعه
Sufi	صوفی	Sunni	سنی
Sunna	سنت	ulema, olama	علماء

اسامی اماکن

Azerbaijan	آذربایجان	Iran	ایران
Baghdad, Bagdad	بغداد	Iraq	عراق
Bukhara, Bokhara	بخارا	Isfahan	اصفهان
Herat	هرات	Kabul	کابل
Khorasan	خراسان	Mosul	موصل
Mecca	مکه	Samakand	سمرقند
Medina, Madina	مدینه	Samarra	سامره
Shiraz	شیراز	Tehran	تهران
Tashkent	تاشکند	Turkestan	ترکستان

اسامی دودمان‌ها

Mughal	مغول	'Abbasid	عباسیان
Omayyad	امویان	Buyid	آل‌بویه
Saljuq	سلجوقیان	Ghaznavid	غزنویان
Safavid	صفویه	Taherid	طاهریان
Samanid	سامانیان	Timurid	تیموریان
		Ziariid	زیاریان

علاوه بر موارد فوق، اسامی مربوط به هند قرون میانه نیز به صورت انگلیسی شده نوشته می‌شوند.<sup>۲۱</sup>

### مثالهای کاربردی

از آنجاکه راقم این سطور اسلوب نویسه گردانی *دانشنامه ایرانیکا* را برای مجله «سخن سمت» و نیز «مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی» در نظر گرفته و با حداقل تعدیل (صرفاً جهت راحت تر شدن حروف نگاری) آن را برای استفاده به عنوان «قرارداد» تدوین نموده است، به منظور درک بهتر و آموزش سریع تر خواننده به ذکر چند مثال از خود *دانشنامه* و توضیح برخی موارد مثل «همزه» و «ع» می پردازد.

با دقت به جدول شماره ۶ (و همچنین جدول تعدیل شده ابتدای مجله سخن سمت) متوجه می‌شویم که علامت «و» برای همزه به کار می‌رود. اما باید توجه کرد که جای این علامت و نیز حرفی که همراه آن می‌آید با توجه به صدای واژه مورد نظر متفاوت است. عین این موضوع در مورد حرف «ع» که با «ه» نمایش داده می‌شود صادق است. مثلاً کلمه «عذرا» را باید به صورت *odrā* نوشت و کلمه «عیسی» را به صورت *Isā* و کلمه «اشباع» را به صورت *ešbā*. بسته به کلمه مورد نظر گاه ممکن است علامت همزه یا «ع» پس از حرف مورد نظر بیاید به خصوص در همزه یا «ع» مفتوح. صدای «آ» همواره به صورت *ā* نوشته می‌شود. البته بسته به اینکه پیش یا پس از آن همزه یا «ع» به کار رفته باشد، ممکن است علائم «و» یا «ه» نیز بیاید. خلاصه آنکه به این علائم باید به چشم یک حرف مجزا و مستقل نگریست. پس کلمه «آب» به صورت *āb* و کلمه «مرآت» به صورت *mer'āt* و کلمه «انشاء» به صورت *enšā* نوشته می‌شود. حروف مصوت به صورت *e, a, o* می‌آیند. مثل «اردبیل» (*ardabīl*) یا «اسامه» (*esāma*) یا «مشتاق» (*moštāq*). همان‌طور که در صفحات قبل گفته شد اگر مصوتها کشیده باشند از علامت *macron* در بالای حرف استفاده می‌شود. مثلاً «نیرو» (*nīrū*). اینکه کی *e*، کی *ē* و کی *ī* به کار رود یا کی *o*، کی *ō* و کی *ū* به کار رود از حوصله این بحث خارج است.<sup>۲۲</sup> اما مصوتهای مرکب به صورت *ey, aw, iy* می‌آید. سه مثال «دولت» (*dawlat*)، «ایوان» (*eyvān*) و «میان» (*mīyān*) منظور را کاملاً می‌رساند.

در مورد صامتها مشکل چندانی وجود ندارد جز تمرین برای آشنایی با برخی اشکال جدیدتر. مثلاً برای حرف «ث» به جای «*th*» سنتی از *t* و *s* (با تلفظ عربی) استفاده می‌شود. برای «ج» به جای «*ch*» سنتی، *č* به کار می‌رود. برای «خ» به جای «*kh*» مألوف یا حتی *x* که همواره نقش «خ» را بازی می‌کرده، از *k* استفاده می‌شود. «ژ» نیز به جای «*zh*» سنتی با *ž* نشان داده می‌شود. «غ» نیز به جای «*gh*» مألوف با *ġ* نمایش داده می‌شود.



صداهاى «ز» و «س» كمى در دسرآفرین است. یكى اینكه با كدام تلفظ (عربى یا فارسى) باشد و دوم اینكه سیاست برای تفكیک عناصر و تلفظها و شناخت بصرى چه باشد.<sup>۲۳</sup> صدای «ز»، شش شكل مختلف دارد؛ *z* (ذ)؛ *z̄* (ز)؛ *ż* (ض) و *z̈* (ظ). صدای «س» نیز چهار شكل دارد؛ *s̄* (ث)؛ *s* (س)؛ *ṡ* (ص). «ح» نیز با یک نقطه در زیر *h* به صورت *ḧ* از «ه» (*h*) متمایز می‌شود. «ط» نیز با یک نقطه در زیر *t* به صورت *ẗ* از «ت» (*t*) متمایز می‌شود. در مورد «ة» تأنیث، «و» معدوله، کسره اضافه، تشدید و سایر صامتها به جدول ۶ مراجعه کنید.

اما چند مثال بسیار کاربردی و راهگشا را که در ابتدای مجله نیز آورده‌ام، برای آشنایی و تمرین بیشتر خوانندگان تکرار می‌کنم:

یحیی ذکاء = *Yaḥyā Dokā'*؛ دیوان البسه = *Dīvān-e albēsa*

ابوالحسن غفاری کاشانی = *Abu'l - Hasan Ġaffārī Kāshānī*

عبدالرحیم کلانتر ضرابی = *Abd -al - Raḥīm Kalāntar Żarrābī*

محمد هاشم آصف = *Moḥammad - Hāšem Aṣaf*

رستم التواریخ = *Rostam al-tawārīk*؛ محمود نظام قاری = *Maḥmūd Nezām Qārī*

محمد معصوم بن خواجگی اصفهانی = *Moḥammad-Ma'ṣūm b. k'ājaġī Eṣfahānī*

## خلاصه

آنچه در این مقاله آمد تعریفی بود مختصر از نویسه‌گردانی و ضرورت‌های کاربرد آن برای اعلام فارسی و عربی به‌خصوص در مقالاتی که به زبانهای «لاتین» نوشته می‌شوند. سپس با مقایسه معروف‌ترین «قرارداد»‌های نویسه‌گردانی (البته با اسامی گوناگون) سعی بر آن بود که بهترین و کامل‌ترین آنها که از دید مؤلف مقاله، اسلوب *دانشنامه ایرانیکاست*، انتخاب شود. در ادامه با توصیف کوتاهی از شیوه این *دانشنامه* برای عمل نویسه‌گردانی، این مقاله به اتمام رسانده شد. سعی مؤلف آن است تا در مقاله‌ای دیگر با برشمردن و تشریح خصائص نشانه‌شناختی و توانهای بالقوه این اسلوب از لحاظ علوم نشانه‌شناسی و هرمنوتیک، با برجسته‌کردن ویژگیهای این

«قرارداد»، مسیر «معیار» شدن این اسلوب را — که به عقیده مؤلف امکان بالفعل شدن آن کاملاً میسر است — تا حدی هموارتر سازد.

## پی‌نوشتها و مآخذ

۱. این سه مثال از دکتر عباس حری به امانت گرفته شده است:  
دفتر پژوهشهای فرهنگی، دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۸۲، ساعت ۱۰:۱۶
۲. این مثال از ع. پاشایی به امانت گرفته شده است در:  
«شیوه فارسی‌نویسی نامهای خارجی»، فرهنگ اندیشه نو، ویرایش ع. پاشایی، تهران، مازیار، ۱۳۶۹، ص ۸۶۴، پانویست ۱  
ضبط دقیق این نام به صورت «یژی کوشینسکی» است. وی نویسنده یهودی‌الاصل لهستانی است که معروف‌ترین اثرش *The Painted Bird* نام دارد. این اطلاعات را مدیون ایونا نایتسکا هستم:  
مرکز ایران‌شناسی، ورشو، ۲۵ مارس ۲۰۰۴
۳. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:  
بروس لاورنس، «رویکرد بیرونی به مطالعه تطبیقی فرهنگ هند»، در: *ابوریحان بیرونی، شیفته حقیقت: سمپوزیوم بزرگداشت بیرونی*، ویرایش احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۳، ص ۳۳-۵۷
۴. نگاه کنید به:  
Spears, Richard A. *NTC's Dictionary of Grammar Terminology*, Illinois, National Textbook Company, 1990
۵. ذیل واژه Transliterate در:  
Guralnik, David B. (G.ed.), *Webster's New World Dictionary of the American Language*, Montevideo, World Publishing Company, 1971
۶. نگاه کنید به:  
*The Chicago Manual of Style*, Chicago, The Chicago University Press, 15th ed. 2003, p. 422
۷. نگاه کنید به:  
سمیعی، احمد، نگارش و ویرایش، تهران، سمت، ۱۳۷۸، ص ۲۳۷
۸. نگاه کنید به:  
اصطلاحنامه بین‌المللی توسعه فرهنگی یونسکو، ترجمه عباس حری و پروانه گودرزی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۳۰۷

۹. نگاه کنید به:

- ادیب سلطانی، میرشمس‌الدین، راهنمای آماده ساختن کتاب، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴

- محمدی‌فر، محمدرضا، واژه‌نامه ویراستاران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷، ذیل واژه

۱۰. همانها، جاهای مختلف

و نیز:

باطنی، محمدرضا، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، چاپ یازدهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰

۱۱. این معادل از دو اثر زیر گرفته شده است:

- جعفری، محمدرضا، فرهنگ نشر نو، تهران، نشر نو، ۱۳۷۶، ذیل واژه

- مهاجر، مهران؛ نبوی، محمد، واژگان ادبیات و گفت‌مان ادبی، تهران، آگه، ۱۳۸۱، ذیل

واژه

۱۲. برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به:

محمد معین، فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ هجدهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰، ص پنجاه و سه تا شصت و هفت

۱۳. برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به:

میرشمس‌الدین ادیب سلطانی، راهنمای آماده ساختن کتاب، چاپ سوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴-۱۸۸

۱۴. برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به:

احمد سمیعی (گیلانی)، نگارش و ویرایش، تهران، سمت، ۱۳۷۸، ص ۳۰۰

۱۵. برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به:

غلامحسین مصاحب و همکاران، دایرةالمعارف فارسی، جلد اول، تهران، جیبی، ۱۳۴۵،

ص ۱۸-۲۵

۱۶. برای جزئیات بیشتر رجوع کنید به:

دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد اول، تهران، مرکز

دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴، ص چهارده - شانزده

۱۷. توضیح کامل اسلوب نویسه‌گردانی دانشنامه ایرانیکا در همین مقاله آمده است.

۱۸. چنین نقصی در اسلوب نویسه‌گردانی تاریخ ایران کمبریج نیز دیده می‌شود. به منظور جلوگیری از اطاله کلام از آوردن آن در این مقاله خودداری شده است.

۱۹. خواننده محترم توجه دارد که بحث مقاله بر سرحرف‌نویسی است نه ویژگیهای آوانگاری و واج‌شناسی.

۲۰. به اصل کتاب رجوع شود.

۲۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

*Encyclopaedia Iranica*, ed. E. Yarshater, vol 1., New York, 1986, pp. 1-5

۲۲. توجه داشته باشید که در جدول ۶ نشانی از *ō* و *ṣ* نیست، اما در نویسه‌گردانیهای *دانشنامه*

*ایرانیکا* این حروف به کار برده شده‌اند. از طرفی در برخی مقالات این *دانشنامه* حروف *ä* و *ö* و *ä* نیز دیده می‌شود که ظاهراً همان صدای زبان اصلی را ادا می‌کنند اما توضیحی برای آنها نیامده است.

۲۳. توصیف مبسوط‌تر در این زمینه و نیز اصول نشانه‌شناسی مرتبط با آن در شماره‌های آتی مجله سخن سمت خواهد آمد.